522

دیوان داوری دعاوی ایران -

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNA[redacted]

DISSENTING OPINION OF JUDGE HOLTS[redacted]

Case No. B/1

Full Tribunal

English version
Filed on 4. APR 1986
نسخهٔ انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۱۵
ثبت شده است.

پرونده شماره ب/۱

دیوان عمومی

قرار اعدادی شماره ب ۱ ـ ۶۰ دیوان عمومی

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL — دادگاه داوری دعاوی ایران ـ ایالات متحده
FILED - ثبت شد
Date: 2 FEB 1987 تاریخ
۱۳۶۵/۱۱/۱۳
No. B1 شماره

جمهوری اسلامی ایران،

خواهان،

ـ و ـ

ایالات متحده امریکا،

خوانده.

DUPLICATE ORIGINAL
«نسخه برابر اصل»

نظر مخالف قاضی هولتزمن

پرونده شماره ب/۱ هم از لحاظ مبلغ مورد مطالبه و هم از نقطه نظر موضوعات دعوی بزرگترین پرونده مطروح در دیوان داوری است. اکنون که دیوان با چنین وظیفه سنگین و پیچیده‌ای مواجه شده، باید بطور جدی رویه هائی را به منظور ساده‌تر کردن دادرسی مورد بررسی قرار دهد. بند ۵ دستور مورخ ۱۶ مه ۱۹۸۴ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) دیوان بمنظور نیل به این هدف طرح شده است. در دستور مزبور از طرفین خواسته شده درباره این مسئله لوایحی تسلیم نمایند که «آیا طرح دعاوی عدم دریافت اقلام فروخته شده طبق (قراردادهای فروش تسلیحات به خارج) که دراین پرونده متنازع فیه می باشد، ممنوع است، مگر آنکه طبق (ماده ب ۶) شرایط عمومی قولنامه‌ها، ظرف یکسال از انتقال مالکیت یا ارسال مورتحساب هر کدام که موخر باشد، اخطار عدم دریافت، ارسال

شده باشد". تصمیم دائربراینکه مرور زمان مصداق پیدا می کند تعداد زیادی از موضوعات مورد اختلاف را از بین برده و در نتیجه حل و فصل پرونده را تسهیل خواهد نمود.

در لوایح تسلیمی دولتین طرف دعوی آشکار شد که در مورد این امر اختلافی ندارند که در اوضاع و احوال مذکور در دستور دیوان، فروش اقلام دفاعی، مشمول مرور زمان مندرج در شرایط عمومی می گردد و با روشن شدن این موضوع، حل و فصل پرونده تا اندازه‌ای آسانتر شد. این امر آن رسیدگی را که در دستور عنوان شده بود بی مورد ساخت. در آن زمان دیوان می‌بایستی صرفا" نقطه نظر مشترک طرفین ثبت کرده و سپس رویه‌های جدیدی را برای بررسی موضوعات مورد اختلافی که بوجود آمده بود تدوین می‌نمود، دائربراین که چه مدارکی لازم است تا شمول مرور زمان را بریک معامله خاص به اثبات برساند. در عوض، دیوان چند پیشنهاد که به اقرار خود وی کامل نیست مطرح نمود، که هرچند هدف از ارائه آنها "راهنمایی به طرفین" بوده ولی در واقع بیشتر موجد سوال است و کمتر پاسخ سوال. دیوان هیچ روشی برای روشن کردن سوالات بلاجواب تجویز ننموده جز اشاره به این که ترجیح می دهد آن موضوعات را در ارتباط با "اختلافات واقعی درباره حمل اقلام خاص" مورد بررسی قرار دهد. ابهام موجود در اظهارات دیوان، درست در زمانی که دیوان باید برای روشن کردن جریان رسیدگیهای بعدی کوشش به عمل آورد، موجب پیچیدگی آنها می گردد.

دوم

قرار اعدادی تا آن حدکه به سوالات جواب کامل داده، صرفا" به توضیح واضحات پرداخته است. به عنوان مثال در این قرار نظر داده شده که در مواردیکه ثابت شود که اقلام دفاعی فی‌الواقع حمل گردیده، "ماده ب ٦ (شرایط عمومی) مانع طرح هر ادعایی است که ظرف یکسال از تاریخ انتقال مالکیت اقلام مورد بحث یا تاریخ صورتحساب، هرکدام که

موخر باشد، طرح نشده باشد". این مطلب اکنون نقطه نظر مشترک طرفین است. دیوان همچنین اظهار عقیده کرد که "سند حملی که حاکی از آن باشد که حمل کننده، نماینده شرکت حمل و نقل یا نماینده مجاز خریدار، یک قلم دفاعی را دریافت کرده و قلم دفاعی مورد بحث را جزء اقلام حمل شده، مشخص نماید، آن سند فی نفسه سند حمل قطعی محسوب خواهد شد". دراین نکته نیز اختلافی نیست.

لیکن دیوان از ذکر این نکته خودداری کرده که علاوه بر سند حمل، چه مدرکی حاکی از حمل موجب مرور زمان خواهد شد. این موضوع واجد اهمیت عملی فراوان است. ایالات متحده توضیح داده که ممکن است هزاران رسید بابت محموله های جداگانه در طول دوره ذیربط چندین ساله نگهداری نشده یا پیدا کردنشان خیلی مشکل باشد، چون از هنگامی که مدت یکساله مقرر در شرایط عمومی سپری شد، ظاهرا" لزومی برای نگهداری رسیدها وجود نداشت. ولی اسنادی مانند فهرست تحویل که در همان زمان در جریان عادی کار تهیه و محمولات با شرح کامل در آنها فهرست می شده، باحتمال زیاد ممکن است موجود باشد.

در قرار اعدادی اظهار نظر شده که فهرست تحویل "فی نفسه" بمنزله مدرک قطعی حمل نیست. ولی دیوان با ذکر این نکته که اطلاع به خریدار که با فهرست تحویل داده می‌شده "می‌تواند مرتبط با باراثبات ادعا باشد"، تلویحا" می گوید که در نبود مدارک معارض قطعی، فهرست تحویل برای اثبات وقوع حمل کافی خواهد بود. علاوه براین، دیوان با گنجانیدن عبارت "فی نفسه" درنظر خود، بوضوح اشاره به این امر نموده که امارات و اسناد دیگری وجود دارد که می تواند همراه با فهرست تحویل، وقوع حمل را به نحو قاطعی اثبات نماید تا مرور زمان مصداق پیدا کند ولی طرفین از کجا بدانند آن امارات و اسناد دیگر چیست؟ بعنوان مثال چنین بنظر می رسد که در عمل بعد ازآنکه ایالات متحده فهرست تحویلی حاکی از حمل محموله‌ای بانضمام صورتحساب مربوطه را ارائه می‌داد، مبلغ صورتحساب را از صندوق امانی که ایران به عنوان منبع پرداخت این

قبیل صورتحسابها افتتاح نموده بود برداشت می‌کرد. البته ایران علاقه داشته اجازه ندهد وجهی بابت اجناسی که حمل نشده از صندوق امانی برداشت شود، زیرا موقعی که موجودی صندوق امانی تمام می‌شد از وی خواسته می‌شد موجودی آنرا به سطح اولیه برگرداند، و در غیراینصورت کار حمل محموله‌های بعدی دچار وقفه می‌شد. در چنین وضعی آیا فهرست تحویل بانضمام اینکه ایران رضایت داده وجه اقلام فهرست شده از صندوق امانی برداشت شود، برای اثبات وقوع حمل و جاری شدن مرور زمان کافی خواهد بود؟

قرار اعدادی می بایستی راهی برای حل این مسائل ارائه می داد. یک طریقه این بود که این موضوعات در دستوری درج و برنامه‌ای برای تبادل لوایح و استدلالات راجع به آنها تعیین شود. راه دیگر این بود که یک یا چند مورد فروش واقعی که در رابطه با آنها فهرست تحویل نشانگر حمل موجود بوده و برداشت از حساب در همان زمان انجام شده و اعتراضی علیه آن به عمل نیامده مشخص و سپس ترتیب تبادل لوایح و استدلالات مربوط به آن معامله خاص داده شود. در آنصورت دیوان فرصت می یافت راجع به این موضوع که چه مدارکی برای اثبات وقوع حمل کفایت می کند و نیز مسائل مربوط به بار اثبات در زمینه یک اختلاف اساسی راجع به اقلام خاص اظهار نظر کند و این اظهارنظر رهنمود سودمندی در اختیار طرفین و خود دیوان قرار می داد. در بررسی نه قید نمونه انتخاب مرجع رسیدگی، دیوان درست چنین روشی را جهت سهولت تصمیم گیری درباره موضوعات مکرر بکار برد.(۱) تجربه موفقیت آمیز دیوان در حل موضوعات قید مرجع رسیدگی، نمونه سودمندی از کارآئی در مدیریت پرونده است.

---

(۱) رجوع کنید به‌قرارهای اعدادی شماره۶، ۵۱، ۶۸، ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۵۹، ۴۵۴، ۲۹۳و ۴۶۶ که کلیه آنها در۵ نوامبر ۱۹۸۲(۱۴ آبان ماه۱۳۶۱)ثبت ودر Iran-U.S. 1 C.T.R. 236 به طبع رسیده است. برای مطالعه بحث مربوط روش مزبور، رجوع کنید به نظر موافق و مخالف هوارد ام. هولتزمن در مورد قرارهای اعدادی در نه پرونده حاوی قیود انتخاب مرجع رسیدگی که در ماخذ فوق صفحات ۸۵ ـ ۲۸۴ به طبع رسیده است.

سوم

نظر دیوان درباره خدمات دفاعی، شاید به دلیل آنکه قبل از موقع صادر شده، درست بهمین اندازه ناقص و ابتدایی است. ایالات متحده اعتقاد داشت و این اعتقاد منطقی بود که دیوان قصد دارد جریان رسیدگی حاضر را محدود به فروش اقلام دفاعی نماید و در نتیجه در لایحه خود، که قبل از لایحه ایران تسلیم گردیده بود، فقط به اقلام دفاعی پرداخت، و خدمات دفاعی را بطور گذرا ذکر کرد.(۲) برعکس، ایران دستور را بسط داد تا نه فقط فروش اقلام دفاعی بلکه خدمات دفاعی را نیز شامل گردد. سپس ایالات متحده گرچه با کمی تاخیر پیشنهاد کرد که موضوع شمول مرور زمان به خدمات دفاعی، تا پیش از تبادل لوایح توجیهی توسط طرفین درباره همه جنبه های آن، مورد رسیدگی قرار نگیرد. این عمل برای دیوان مفید می‌بود، زیرا نه تنها ایالات متحده درباره کل موضوع لوایح توجیهی کامل ارائه نداده، بلکه ایران نیز مطلبی درباره روش طرفین که به تصدیق دیوان، از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشد تسلیم ننموده است. در نتیجه دیوان مجبور شده صریحا" اظهار دارد که "تابه حال به دیوان اطلاع داده نشده" که "آیا طرفین عملا" ممنوعیت طرح ادعاهای مطرح نشده ظرف یکسال را به ادعاهای مربوط به خدمات و سایر هزینه‌ها نیز سرایت داده‌اند یا خیر". علاوه براین، هنوز هیچیک از طرفین درباره‌این مسئله که آیا بررسی مجموعه‌اسناد ذیربط بطور یکجا در مقابل تفسیر شرط ب بطور مجزا، می‌تواند نشان دهد که خدمات دفاعی نیز مشمول شرایط مرور زمان است(۳)یا

---

(۲) اصطلاح "خدمات دفاعی" بصورتی که در این نظر بکار رفته، نه تنها خدمات بلکه برخی هزینه های دیگر، مانند هزینه های اداری، جنبی و هزینه فسخ قرارداد را نیز که در یک فروش خاص مصداق دارد در بر می گیرد.

(۳) بعنوان مثال، شرط ب - ۳-و که دیوان ذکری از آن به میان نیاورده، صریحا" به شرط ب ٦ اشاره می کند و ظاهرا" هم به اقلام و هم به خدمات مربوط می شود. در شرط ب۳ و بندهای فرعی قبل از آن یعنی ب۳ الف الی هـ شرایط و ترتیبات مختلف پرداخت که در مورد اقلام و خدمات هر دو صدق می کنند مطرح گردیده است. جمله

یا خیر، لایحه‌ای ارائه ننموده اند. دراین اوضاع و احوال دیوان اظهارنظر خود را محدود باین نموده که خدمات دفاعی "مشمول عبارت شرط ب ٦ نیست". دراین مورد نیز قرار اعدادی توضیح واضحات داده، زیرا کلمه "خدمات" هرگز در آن شرط بچشم نمی خورد. در اینمورد نیز قرار اعدادی کامل و روشنگر نیست زیرا تفسیر عبارت آن شرط خاص در پرتو سایر شروط و نیز نحوه عمل طرفین ممکنست ضرورت پیدا کند.

بنظر اینجانب، مرجع می بود که دیوان قبل از اظهار عقیده درباره شمول قید مرور زمان مندرج در شرط ب ٦ به دعاوی مربوط به خدمات دفاعی، اقداماتی جهت کسب اطلاعات لازم و نظرات طرفین بعمل می آورد.

چهارم

دیوان با توجه به اینکه ایالات متحده قید مرور زمان شرایط عمومی را نگاشته، فرصت را برای بیان زیر مناسب یافت:

> اگر فروشنده بخواهد با چنین شرطی طرح ادعاهای مربوط به عدم دریافت اقلامی را که ظرف یکسال طرح نشده‌اند مطلقا" منع نماید، قاعدتا" چنین کاری را باید صراحتا"انجام دهد. عدم تصریح در آن مورد، منتج به ابهام چنین شرطی شده، و نتیجتا" انتظار می رود که خریدار به یکی از چند تفسیر ممکن که به نفع وی می باشد استناد نماید، و چنین ابهامی احتمالا" باعث بروز مشکلاتی در اجرای شرط می شود.

ادامه زیرنویس شماره (۳) از صفحه قبل

آخر شرط ب-۳-و مقرر می دارد که "خریدار در موارد مقتضی تقاضا خواهد نمود که اقلامی که بابت آن صورتحساب ارسال گردیده و مورد سئوال و تردید است تعدیل شود، و این عمل را طبق بند ب٦ زیر، از طریق گزارشهای لازم حاوی موارد اختلاف، که بعدا" ارسال می نماید، انجام خواهد داد".

این نحو تجزیه و تحلیل در اوضاع و احوال پرونده حاضر نامناسب است. مدارک موجود در دیوان حاکی از آنستکه ایالات متحده اقدامات وسیعی جهت رفع سوء تفاهم احتمالی درباره مفهوم شرط ب٦ به عمل آورد: دستورالعمل هایی حاوی تشریح روشهای اقامه دعاوی، به موجب شرط ب٦، را برای استفاده خریداران منتشر نمود و آثار مترتب بر مرور زمان در صورت عدم اقامه این چنین دعاوی ظرف یکسال را توضیح داد، در این زمینه کلاسهایی برای خریداران برگزار کرد، و تعدادی کارشناس در تهران نگهداشت تا موارد سوال را روشن کنند. باتوجه به این سوابق، مقتضی نیست ذکر شود آنچنانکه دیوان ذکر کرده که ایران در وضعی قرار دارد که می تواند "به یکی از چند تفسیر ممکن که به نفع وی می باشد، استناد نماید".

پنجم

قرار اعدادی وعده ارائه "رهنمود" میدهد، اما فقط جوابهای ناقص و گمراه کننده ارائه می کند و از تعیین روشی برای مدیریت صحیح این پرونده پیچیده عاجز است. دیوان در مقابل دولتین طرف دعوا این دین را به گردن دارد که راههای بهتری برای انجام امور خود بیابد.

با کمال احترام با قرار اعدادی مخالفم.

لاهه، بتاریخ ۴ آوریل ۱۹۸٦ برابربا ۱۵ فروردین ماه ۱۳٦۵

هوارد ام. هولتزمن

ع.س /م.ب